



حیاء از دیدگاه حضرت زهرا سلام اللہ - حجت الاسلام محرابیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حیاء از دیدگاه حضرت زهرا سلام اللہ - حجت الاسلام محرابیان

حیای فاطمی (س):

معنای تحت اللفظی کلمه حیا، شرم است. شرم کلمه ای است که بسیار فراتر از حیا می باشد. مثل اینکه پسر و دختر در برخورد با نامحرم و یا غریبه، خودشان را حفظ کنند. اگر بخواهید کمی وسیعتر به حیا نگاه کرده و معنای آنرا از زبان حضرت فاطمه زهرا (س)، (در کلام امام صادق (ع)) بدانید، ایشان می فرمایند: "حیا نوریست که از آن نور، ایمان در سینه ایجاد

مي شود . ” و اين بدین معناست که در برابر هرآنچه که با توحید و معرفت ناسازگاري دارد ، خویشتن دار باشید . در این تعریف معنای کلمه حیا بسیار باز می شود ؛ هرگونه لکه و سیاهی که بین ما و خدای ما قرار گرفته و باعث شده که نتوانیم خدا را ببینیم ، منافی حیا دانسته می شود . یعنی : نورانیت کامل بین خود و خدا.

حیا به این معناست که انسان تمام حقایق جهان خلقت را درک کند و بر این حقایق صحنه گذارد و با این حقایق همراه شود و خلاف این حقایق هیچ عملی انجام ندهد . چرا ؟ به دلیل حیا ! گاهی انسان کاری را به دلیل عقل انجام می دهد ، چرا که عقل می گوید ، اما در اینجا دلیل حیا است .

بعضی وقتها عقل انسان می گوید : فلان کار را انجام بده ، اما حیا اجازه نمی دهد . بطور مثال : فرض کنید که شخصی مقداری پول از شخص دیگری طلبکار

است و به شدت به آن مقدار پول محتاج می باشد و می داند که شخص بدهکار ، از نظر مالی استطاعت کافی را دارد که طلب وی را بپردازد ولیکن فراموش کرده است . عقل به او می گوید : برای مطالبه پول خود به شخص بدهکار مراجعه کند .

اما وقتی برای مطالبه مال خود می رود می بیند که شخص بدهکار لباس مشکی پوشیده و عزادار است . اینجاست که حیا به او دستور می دهد که به حرمت این مصیبتی که بر آن شخص وارد شده ، او تقاضای کاملاً عقلانی و مشروع خود را مطرح نکند .

حالا همین حیا را در دین باید ملاحظه کرد . حیا در دین ، عقل حسابگر را کنار می گذارد . عقلی که گاهی انسان را فریب می دهد . بطور مثال عقل به ما می گوید : " خدا کریم است ، جوان هستی و یک گناهی انجام بدهی اشکالی ندارد ! " یعنی : عقل به ما اجازه می دهد که گناه کنیم اما حیا جلوی ما را می گیرد .

بسیار پیش آمده که شخص گرسنه بوده ، اما حیا اجازه نداده که غذا بخورد.

لذا این حیا را اگر انسان بتواند در دین خود و در ارتباط با خدای خود داشته باشد ، بسیار به او کمک خواهد کرد . امام صادق (ع) می فرماید : “ هرچیزی که جلوگیری از معرفت شما بکند ، در مقابلش خویشتن داری کنید . حتی اگر حق با شماست کوتاه بیایید . ” البته انسان مخلوق است و غرایزی نیز دارد که باید ارضاء شود .

مثلاً کسی که يك روز تمام را بندگی کرده و روزه گرفته ، حق دارد که موقع افطار غذا بخورد . اما حیا به او می گوید که همسایه اش گرسنه است و آن شب را افطار نکند.

بدین جهت است که هنگامی که سه روز در خانه حضرت فاطمه (س) را زدند و طلب غذا کردند ، حیا به ایشان که روزه بوده اند اجازه نمی دهد که حاجت

مشروع خود را برآورده کنند و یا مثلاً شخصي که زحمت کشیده ، کار کرده و پول حلال بدست آورده است .

عقل و دین هر دو به او این اجازه را می دهند که آن پول را صرف تجملات زندگی و یا صرف مخارف عروسي کند .

اما حياي حضرت فاطمه (س) به او این اجازه را نداد که حتي شب عروسي لباس نو به تن کند و ایشان لباس شب عروسي خود را درآورده و به سائلي مي دهد و لباس کهنه به تن مي کند . این حياي فاطمي (س) است.

ما باید بتوانیم فاطمي باشیم و فاطمي شدن ، به این نیست که فقط بگوئیم الگوي ما حضرت فاطمه (س) است . باید دید که ایشان چگونه زندگی می کرده است . اشك ریختن برای حضرت فاطمه (س) نیز به تنهایی سودي ندارد . اشكي که در پشت آن معرفت

، تبعیت و اطاعت نباشد ، به قول شهید مطهری (ره) به مشالکت نینجامد.

فاطمه (س) خط علي (ع) با خون نگاشت

فاطمه (س) در زندگی ویلا نداشت

فاطمه (س) يك دشت داغ و درد و سوز

فاطمه (س) نان را نخورده نرخ روز

فاطمه (س) يك دشت احساس علي (س)

فاطمه (س) عطر گل ياس علي (ع)

امیرالمؤمنین (ع) خطاب به جوانها و کسانی که دنبال زیبایی هستند (چرا که جوانها بیش از میانسال ها به دنبال زیبایی می باشند) فرمودند : “ اگر می خواهید زیبایی های دنیا را ببینید ، حیا داشته باشید و اگر حیا نداشته باشید زیبایی های دنیا را نمی بینید ” .

اصولاً بی حیایی انسان را به طرف لجن پرستی می کشاند . به این معنا که در اثر بی حیایی ، دیدگاه

انسان نسبت به زیبایی عوض می شود . سلیقه آنهايي که به طرف بی حیايي می روند با سلیقه انسانهاي باحیا بسیار فرق دارد .

به رفتارهاي عجیبي چون لجن پرستي ، خوك پرستي ، و مردار پرستي روي می آورد . انساني که حیا دارد زیبایی هاي خلقت را در اطراف خود درك می کند و لیکن انسان بی حیا اینها را نمی بیند .

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند : “ کسی که خارج از حدود واجبات و محرمات ، حیا را در دین خود منظور کند ، این شخص زیبایی هاي دنیا را می بیند و تازه خواهد فهمید که بسیاری از چیزهايي که مردم تحت عنوان زیبایی به دنبالش بوده اند اصلاً زیبا نیستند . ”

ریشه و مبدأ حیا:

حیا یک ریشه و یک مقصد دارد و به عبارتی در وسط قرار می گیرد . امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند : " اگر می خواهید حیا در زندگی داشته باشید ، ریشه حیا ، جوانمردی و بامرام بودن است " .

ریشه حیا لوطی گری و لوطی منشی است . ریشه حیا مردانگی است . انسانی که نسبت به جامعه اش حساس است را جوانمرد می گویند . پس حیا را ابداً نمی توان در خلوت ها و غارها و عزلت ها پیدا کرد . چرا که جوانمردی ریشه حیاست و این صفتی است که فقط و فقط در جامعه می توان آن را یافت .

البته در نزاع های خویشاوندی و قومیت بازی ها ، قوم ترك و لر و عجم و عرب ، سر سوزنی از آثار جوانمردی وجود ندارد ، چرا که هیچ کدام حاضر نمی شوند جوانمردی کرده و کوتاه بیایند و لذا فرزندان شان نیز انسانهای بامرامی بار نمی آیند . پس وقتی انسان جوانمردی نشان می دهد به حیا می رسد .

مقصد حیا:

اما مقصد حیا: به قول عرفا، تغییر مبدأ میل انسانی است. یعنی در انسان حالتی پیدا می شود که میلش به خوبی ها بیشتر می گردد و انسان به پاکدامنی می رسد. انسانی که دیروز از گناه خوشش می آمده، امروز از گناه بدش می آید و یا انسانی که دیروز به زحمت عبادت می کرده، امروز عشق به عبادت پیدا می کند. انسانی که حیا دارد، یک سری رفتارها در خلق و خوی او کلیشه شده است که از آن به عنوان محصولات حیا نامبرده می شود.

محصولات حیا را از نگاه پیامبر اکرم (ص) می توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. نرمش. انسان با حیا بسیار نرم و ملایم است و زود عصبی نمی شود. یکی از بزرگترین مشکلات واحدهای اجتماعی ما، خانواده های ما، محلات ما

و واحدهاي بزرگ ، مثل شهرهاي ما ، اين است که ما در مقابل هم اهل نرمش نيستيم .

ملاحظه کنيد که در قرآن کریم ، بدترين انسان ، فرعون است . چرا که بالاترين گناه شرك است و فرعون تنها مشرك است بلکه خودش را خدا نيز مي داند .

وليکن خداوند تبارك و تعالي در قرآن وقتي به موسي (ع) فرمان مقابله با او را مي دهد مي فرمايد : “ **فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا** ” يعني با او (فرعون) آرام صحبت کن . حتي با فرعون هم مي فرمايد با نرمش صحبت کن .

لذا در اين مرام اولين قدم ، نرمش و مهرباني و دوست داشتن خلایق است . بر طبق روايتي از امام حسين (ع) ، “ در آن لحظه اي که پهلوي حضرت فاطمه (س) را پشت در شکستند ، اگر حضرت (س) توان داشتند بلند مي شدند و با آنها به ملايمت و نصيحت صحبت مي کردند ” .

۲. سلامت روح . انساني که حيا دارد ، بسيار انسان سالمي است و به هر کجاي دنيا که برود خدا را مي بيند و مي داند که در هر نقطه از دنيا باشد خدا با اوست.

۳. خوشرويي . انسان با حيا با خلایق خوشرو است چرا که همیشه احساس شرم و حيا مي کند . در احوالات يکي از عرفاي بزرگ تاريخ مي نويسند : در تمام طول زندگيش هرگز پاهایش را دراز نکرد . براي اينکه همیشه خودش را در محضر خدا مي ديد و شرم مي کرد.

۴. گذشت و بخشندگي . خدا در قرآن مي فرمايد :
“ فَعْفُوا وَاصْفَحُوا أَلَا تَحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ” اگر مي خواهيد خدا شما را ببخشد ، يکديگر را ببخشيد ، با هم مصافحه کنيد ، شاد باشيد و با هم خوب باشيد . حضرت فاطمه (س) فقط دو نفر را در زندگي نبخشيدند که آن دو را هم خداوند اجازه نداد .

چرا که پیامبر (ص) فرمودند : " غضب فاطمه (س) ، غضب من و غضب من ، غضب خداست . " یعنی این فاطمه (س) نبود که نبخشید ، بلکه خدا بود .

گاهی در جامعه ما ، حیا بد تعبیر می شود . یعنی انسان با حیا را کسی می دانند که کم رو و بی عرضه باشد . اگر کسی آنقدر کم رو باشد که حتی حقش را هم نتواند بگیرد ، این به معنای حیا نیست . کمرویی و نگرفتن حق و کوتاه آمدن در جایی که نباید کوتاه آمد و نشان ندادن خشم و غضب در جایی که لازم است ، حیا نیست . بلکه بی عرضگی است .

پس انسان اگر می خواهد حیا داشته باشد ، این حیا باید کاملاً عقلانی باشد و حیایی باشد که دین ، خدا و خصائل و فطرت انسانی بر آن صحه گذاشته باشد . " **لأَحْيَاءِ فِي الدِّينِ** " را اغلب به این معنا تفسیر می کنند که " **لأَحْيَاءِ فِي الْأَحْكَامِ** " ؛ به این معنی که در پرسش سؤالاتی احکام راجع به زنان و مردان نباید حیا

کرد و این مسائل باید صریحاً گفته شود . در صورتی که این تفسیر اشتباه است و اتفاقاً باید در این مسائل حیا داشت.

اصولاً مسائل مربوط به زنان و مردان را نباید روی منبر گفت و باید بصورت خصوصی صحبت شود .
“ **لأَحْيَاءِ فِي الدِّينِ** ” یعنی اینکه انسان متدین در مقابل حق کوتاه نمی آید و شرم و حیا نمی کند .

بطور مثال : اگر کسی مسئول و رئیس اداره و یا شخصی مسن است ، نمی توان گفت به خاطر مقام و سن و سالش نباید اشتباهش را متذکر شد .

بلکه به شرط ادب و احترام باید او را امر به معروف و نهی از منکر نمود . پس نمی توان کم رویی و بی عرضگی برخی افراد را به پای حیای ایشان گذاشت.

امام علی (ع) می فرمایند : “ کسی که از گفتن حق به بهانه حیا ، اِبا کند ، این شخص نادان و کم شعور است ” و این نکته جای بحث دارد ؛

گناه آشکار نشانه بی حیایی است . گناه اگر آشکارا و در حضور مردم صورت بگیرد ، بسیار بدتر از آنست که در خفا انجام شود .

انسان ، باید همانقدر که از انجام گناه در محضر خداوند و امام زمان (عج) شرم دارد ، در محضر مردم هم شرم داشته باشد و مبادرت به انجام گناه نکند . لذا خداوند اعتراف به گناه را نیز گناه دانسته ، چرا که اعتراف به گناه به حیای انسان لطمه می زند .

حیا یعنی : پوشیده داشتن . البته این به معنای تظاهر و ریا نیست . ریا یعنی انسان عملی را برای خوشآمد مردم انجام بدهد ، ولی حیا یعنی اینکه انسان گناهی را برای خوشآمد خدا پوشیده بدارد . چرا که خداوند فرموده : " گناه را آشکار نکن " !

از قول امام صادق (ع) ، نقطه مثبت و دوران آزمایش حیا در دوران جوانی است . چرا که جوان غرور دارد و اگر حیا کند ارزش آن بسیار بیشتر از حیا در دوران

کهولت است . همچنین انساني که در جواني حيا دارد ، مي تواند در کهولت نيز نوراني باشد . حيا آنست که انسان در قدرتمندي خود را ذليل خدا احساس کند ، نه آنکه در ذليلي!

درجات حيا:

امام صادق (ع) مي فرمايند : حيا درجاتي دارد:

۱. **شرم در برابر خدا:** يکي از پائين ترين درجات حيا ، شرم در برابر خداست . انساني که در مقابل خدا شرم نمي کند ، اصولاً با حيا بيگانه است .

پائين ترين درجه حيا آنست که انسان خدا را حاضر بداند و از اينکه نمي تواند در درگاه او خوب بندگي کند ، حيا داشته باشد . اگر اميرالمؤمنين علي (ع) شب و روز به خاک افتاده و اشک مي ريزد و مي فرمايد: **أَنَا عَبْدُكَ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الضَّعِيفُ الْمَسْكِينُ**

المُسْتَكِينُ الْمُسْتَجِيرُ این درجه حیای علی (ع) را
نشان می دهد

۲. **شرم در مقابل ملائکه :** بخصوص در مقابل رقیب
و عتید ، يك درجه بالاتر است . در سورة قاف می
فرماید: **و ما یلفظ من قولٍ الاّ لَدَیْهِ رَقِیْبٌ عَتِیدٌ** ” یعنی
: هر کاری که انجام دهید رقیب و عتید می نویسند .
(انسان فقط در لحظه مرگ می تواند این دو فرشته
را ببیند)

۳. **شرم از خود :** بالاترین درجه حیا ، شرم از خود
است . یعنی از وجودمان ، از وجود سالممان که خدا
به ما داده ، باید شرم کنیم .

نسبت به نعماتی که خدا به ما داده ، مانند : چشم ،
گوش و . . . که هر لحظه هم می تواند آنها را از ما
بگیرد ، باید حیا کنیم . زبان باید حیا داشته باشد .
زبان بسیار مهم است .

در روایت بسیار عجیبی از پیامبر اکرم (ص) آورده اند : در آخر الزمان اگر گناهان صد قسمت باشند ، ۹۹ درصد آن مربوط به زبان است.

یعنی اگر انسان بتواند زبان را کنترل کند و شرم و حیا به خرج دهد ، ۹۹ قسمت از گناهان را کنترل کرده است . پس باید نسبت به تمام توانایی هایی که خدا داده است مثل زبان ، عقل ، خانواده ، محیط خوب ، خانه ، پوشاک و غیره ، حیا داشته باشیم . چرا که می دانیم برخی از افراد این نعمتها را ندارند.

زن و حیا:

پیامبر (ص) می فرمایند : “ اگر حیا ده جزء داشته باشد ، ۹ جزء آن در دست زنان است . ” یعنی اگر زن بتواند در جامعه خود را حفظ کند ، با حیا باشد ، پوشش اسلامی را رعایت کند و با عفاف صحبت کند ، آن جامعه مشکلی ندارد .

ولي اگر تمام مردان جامعه با حيا باشند ، از آنجا كه يك دهم حيا دست مردان است ، باز هم آنچنان فرقي ندارد . زن زمينه ساز و بستر ساز تاريخ است . از نظر جامعه شناسي اين زن است كه مي تواند جامعه اي را به سوي باحيائي يا بي حيايي سوق بدهد .